

وزیران امور خارجه در دوره ناصرالدین شاه

محمدحسن فرخی^۱

چکیده

در دوره ناصرالدین شاه مناسبات خارجی ایران به صورت چشمگیری توسعه یافت و متناسب با آن، امور خارجی از حیطة وظایف دربار و شخص صدراعظم، به وزارت امور خارجه منتقل شد، که ۲۸ سال از تأسیس آن می‌گذشت. این تحول، با آغاز حکومت ناصرالدین شاه و صدارت امیرکبیر مصادف بود؛ صدراعظم مقتدری که خود، سابقه سال‌ها حضور موفق در هیأت‌های سیاسی اعزامی به دیگر ممالک را در کارنامه داشت و به اهمیت تشکیلات امور خارجی کاملاً واقف بود. اگرچه عمر کوتاه صدارت، فرصتی برای تحقق افکار بلند آن بزرگ مرد باقی نگذاشت، اما تربیت‌یافتگان و نهادی که او بنیان نهاد، میراث گرانبغایی برای عرصه تشکیلات خارجی ایران بود. در مقاله حاضر بر پایه روش توصیفی - تحلیلی، ضمن معرفی وزرای امور خارجه در دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، به بررسی شرایط و عملکرد دوران وزارت هر یک از آنها می‌پردازیم. بر اساس نتایج تحقیق روشن شد که وزارت امور خارجه نیز مانند سایر ارکان دیوانی عصر قاجار، در میدان دو قطبی روس - انگلیس گرفتار بود و جدال سخت میرزا سعید خان و میرزا حسین خان بر سر منصب این وزارت، جز تباهی و ناکارآمدی سیاست خارجی ایران حاصلی در پی نداشت.

• واژگان کلیدی:

قاجاریه، ناصرالدین شاه، وزارت امور خارجه، وزیران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۳/۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۷/۲۸

^۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی و کارشناس وزارت امور خارجه
مقاله حاضر استخراج از پایان نامه نگارنده است با عنوان: «نقش و جایگاه وزارت امور خارجه در دوره ناصرالدین شاه» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

Email: mh.farokhi@mfa.gov.ir

مقدمه

تا زمان آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه و صدارت امیرکبیر در سال ۱۲۶۴ق. پنج نفر به عنوان وزیر طی هفت دوره بر مسند وزارت تازه تأسیس "امور خارجه" تکیه زده بودند. این وزارت خانه با فرمان فتحعلی شاه در ذی‌الحجه ۱۲۳۶ق. و انتصاب عبدالوهاب نشاط اصفهانی در مقام نخستین وزیر امور خارجه (مهدوی، ۱۳۴۵) تأسیس شد. هدف، توسعه و تمرکز امور خارجی بر پایه تجاری نظیر "منشی الممالکی"^۱ بود، که وظایفی چون «تحریر نامه‌جات خارجی و فرامین قضا آیین مطاعه و ملفوفه‌جات اسرار مکنونه و مرموزه» را بر عهده داشت (خسروبیگی، ۱۳۸۷: ۴۲) و نیز "دفتر امور خارجی". با قدری توسعه وظایف و افزوده شدن وظیفه «اعزام نمایندگان ایرانی به کشورهای خارجی» (فلور، ۱۳۸۴: ۹۳-۹۱) وزارت امور خارجه پای گرفت و شرح وظایف وزیر و تشکیلات زیرمجموعه او، شامل «مهمات مملکت آذربایجان و خراسان» بود و «امور سفرا و ایلچیان دول خارجه»، «تحریر و فرمایش نامه‌جات سلاطین و اعیان ممالک خارج از ممالک محروس»، «تحریر و فرمایش ملفوفجاتی که به دفترخانه مبارکه و معاملات ولایتی رجوعی ندارد» و «تقدیم مهمات مرقومه» (طباطبائی، ۱۳۳۹). عواملی چند موجب شد که سازمان و کارکنان و وظایف این وزارت خانه چنانکه باید توسعه نیابد: درگیری‌ها و کشمکش‌های داخلی و خارجی دوران قاجار پیش از ناصرالدین شاه، مانند جنگ‌های ایران و روس و درگیری‌های به سلطنت رسیدن محمدشاه در صحنه داخلی و بی‌کفایتی صدراعظم‌هایی نظیر حاجی میرزا آغاسی که به نوشته توکلی (۱۳۲۸ الف)، «خود را بسیار عاقل و سیاستمدار می‌پنداشت و اختیار تمام کارهای خارجی ایران را هم مثل سایر امور منحصر به خود کرد، چنان که تا اواخر صدارت او خارجیان تنها کسی را که برای گذراندن کارهای خود مرجع واقعی حساب می‌کردند، شخص حاجی بود»، درحالی که وزارت امور خارجه

^۱ میرزا رضا قلی خان نوایی از مردم قصبه نوا در شمال تهران، نخستین کسی بود که در عهد فتحعلی شاه منشی الممالک شد.

قدرت‌های بزرگ آن روزگار، مانند انگلیس عهده‌دار طیف گسترده‌ای از امور شامل رسیدگی به مستعمرات، جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات، اتخاذ تصمیم جنگ و اشغال کشورها بود. در مقایسه با آن، وظایف و عملکرد وزارت امور خارجه ایران بسیار محدود بود و همین میزان نیز، عمدتاً از جانب دربار و دستگاه سلطنت اتخاذ می‌شد و وزارت امور خارجه صرفاً مجری اوامر بود. بنابر مقتضیات، فرستادگانی به دربار سایر دول گسیل می‌شدند و خبری از تأسیس نمایندگی‌های دائمی ایران نزد سایر کشورها نبود. به‌عنوان نمونه، میرزا ابوالحسن خان شیرازی که بعدها طی سال‌های ۱۲۵۰-۱۲۳۹ و نیز ۱۲۶۴-۱۲۵۴ ق. بر مسند وزارت امور خارجه نشست (توکلی، ۱۳۲۸ الف؛ موجانی، ۱۳۹۰)، برای به تصویب رساندن عهدنامه مجمل (تهران، ۱۲۲۴ ق.)، با دریافت لقب "ایلچی" از فتحعلی شاه، به عنوان سفیر رسمی شاه ایران همراه با جیمز موریه (منشی سر هارفورد جونز، فرستاده انگلستان به ایران) عازم لندن شد. (شمیم، ۱۳۴۲: ۷۶-۷۷؛ صفی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۴) و پس از هشت ماه، به اتفاق سرگور اوزلی، که به سمت وزیر مختار انگلیس در ایران تعیین شده بود، لندن را به مقصد تهران ترک کرد (سعادت نوری، ۱۳۴۵).

حال آنکه کشورهایی مانند روسیه، سال‌ها بود که مطابق عهدنامه گلستان امتیاز تأسیس کنسولگری را در شهرهای مختلف ایران به دست آورده و از این راه، به سبب فعالیت‌های تجاری، سود سرشاری نصیب اقتصاد کشور خود کرده بودند. دولت روس، سفارتخانه‌ای در تهران و کنسولگری‌هایی در تبریز، رشت و استرآباد داشت (خسروی‌زاده و معلمان، ۱۳۹۱: ۲۲). دیگر کشورها نیز مطابق عهدنامه کنگره وین، به سال ۱۲۳۰ ق. در باب نحوه پذیرش مأموران خارجی و تقدم نمایندگان سیاسی (توکلی، ۱۳۲۸ الف) نمایندگی‌های دائمی در کشورهای یکدیگر تأسیس کرده بودند. ناآشنایی سران کشور در دوره قاجار با تحولات و مناسبات جهانی، موجب دوری ایران از حضور در عرصه بین‌المللی و تعامل با سایر کشورها بود. در جدول ۱ فهرست عهده‌داران منصب وزارت امور خارجه پیش از سلطنت ناصرالدین شاه ذکر شده است.

جدول ۱: فهرست وزرای امور خارجه پيش از ناصرالدین شاه

ردیف	نام وزیر امور خارجه	شروع	پایان	مجموع
۱	میرزا عبدالوهاب نشاط معتمدالدوله اصفهانی	۱۲۳۶	۱۲۳۹	۳
۲	میرزا ابوالحسن خان شیرازی	۱۲۳۹	۱۲۵۰	۱۱
۳	میرزا علی، پسر قائم مقام فراهانی	۱۲۵۰	۱۲۵۱	۱
۴	میرزا مسعود انصاری گرمودی	۱۲۵۱	۱۲۵۴	۳
۵	میرزا ابوالحسن خان شیرازی	۱۲۵۴	۱۲۶۲	۸
۶	میرزا مسعود انصاری گرمودی	۱۲۶۲	۱۲۶۵	۳

بیان مسأله و روش تحقیق

گسترش روابط سیاسی، شامل رفت و آمد مأموران خارجی به ایران و گسیل نمایندگان از جانب دولت ایران به سایر کشورها و از سویی، توسعه خدمات کنسولی به اتباع ایرانی مقیم در شهرهای مختلف جهان، توسعه نهاد وزارت امور خارجه را در آغاز و ادامه سلطنت ناصرالدین شاه سبب می‌گردد. ارتباط مستمر اعضای این نهاد با دول بیگانه به عنوان کانال برقراری مناسبات رسمی، جایگاه و شأن درخور توجهی نصیب ایشان می‌کند و در نتیجه، شخص اول مملکت نیز، که خود به امور خارجی علاقه‌مند است، برای وزارت امور خارجه اهمیتی خاص قائل می‌شود.

در پژوهش حاضر، به معرفی عهده‌داران منصب خطیر وزارت امور خارجه در دوره سلطنت ناصرالدین شاه پرداخته خواهد شد و اینکه «شرایط دوران وزارت و عملکرد وزرای امور خارجه دوره سلطنت ناصرالدین شاه چگونه بوده است؟» چه‌اینکه شاه جوان قاجار از آغاز، با وجود بی‌تجربگی، این منصب را همراه با ملاحظات فراوان به رجال آن دوره سپرده بود.

مقاله حاضر با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و برخی اسناد دسته اول مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه به پرسش اصلی پژوهش می پردازد و به سؤالات فرعی زیر نیز پاسخ می‌دهد:

۱. افراد دست یافته به منصب وزارت امور خارجه در دوره سلطنت ناصرالدین شاه چه ویژگی هایی داشته اند؟
۲. عملکرد و اقدامات چشمگیر هر یک از وزرای امور خارجه در دوره وزارت چه بوده است؟

بحث اصلی

در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه و انتصاب امیرکبیر به عنوان صدراعظم، که خود تجربه های موفقی در مأموریت‌های محوله به خارج از کشور داشت، به موازات اصلاحات در کلیه شئون کشور به دست وی، به سازمان وزارت امور خارجه نیز سر و صورتی داده شد (مهدوی، ۱۳۴۵). از جمله تجربه های امیرکبیر، حضور در هیأتی همراه خسرو میرزا فرزند نایب‌السلطنه طی سفر به روسیه در شوال ۱۲۴۴ق. برای عذرخواهی از تزار نیکلا به سبب کشته شدن گریبایدوف بود.

امیر کبیر در نخستین سفر، از نزدیک با دستاوردهای تمدنی روس‌ها آشنا شد. وی و دیگر اعضای هیئت ایرانی در مدت اقامت در تفلیس، مسکو و پترزبورگ، از مدارس جدید، کارخانه‌ها، دانشگاهها و مؤسسات فنی و علمی روسیه دیدن کردند.

دومین سفر امیرکبیر به روسیه در شوال ۱۲۵۳ق. روی داد: وی در این سال به همراه ناصرالدین میرزای ولیعهد به عنوان سرپرست هیأت، به ایروان رفت تا تهنیت محمدشاه را به نیکلای اول، که در آن هنگام در قفقاز از ولایات تازه تسخیر شده دیدار می‌کرد، ابلاغ کنند.

مأموریتی که در بینش امیر نسبت به امور خارجی اهمیت فوق‌العاده داشت، حضور وی به عنوان سرپرست هیئت ۲۰۰ نفره سیاسی - نظامی مذاکره کننده در باب تعیین حدود مرزی

ایران و عثمانی، میان سال‌های ۱۲۶۳-۱۲۵۹ ق. است. پس از نزدیک چهار سال مذاکرات سخت و طاقت فرسا، سرانجام در عهدنامه‌ ارزنه‌الروم دوم حقوق مسلم ایران به رسمیت شناخته شد و به جرأت می‌توان آن را جزو موفقیت‌آمیزترین مذاکرات و عهدنامه‌های سراسر دوران سلطنت قاجاریه دانست (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۹: ۳۱).

جدول ۲: فهرست وزرای امور خارجه در دوره ناصرالدین شاه

ردیف	نام وزیر امور خارجه	شروع	پایان	مجموع
۱	میرزا مسعود انصاری گرمودی	۱۲۶۲	۱۲۶۵	۳
۲	امیرکبیر با نیابت میرزا محمدعلی خان شیرازی	۱۲۶۵	۱۲۶۷	۲
۳	میرزا محمدعلی خان شیرازی	۱۲۶۷	۱۲۶۸	۱
۴	میرزا سعید خان مؤتمن الملک انصاری	۱۲۶۸	۱۲۹۰	۲۲
۵	حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله	۱۲۹۰	۱۲۹۷	۷
۶	میرزا سعید خان مؤتمن الملک انصاری	۱۲۹۷	۱۳۰۱	۴
۷	محمودخان ناصر الملک قراگزلوی همدانی	۱۳۰۱	۱۳۰۳	۲
۸	یحیی خان مشیرالدوله	۱۳۰۳	۱۳۰۵	۲
۹	میرزا عباس خان قوام الدوله	۱۳۰۵	۱۳۱۴	۹

میرزا مسعود انصاری گرمودی

مقارن انتصاب امیرکبیر به عنوان نخستین صدراعظم ناصرالدین شاه قاجار در ۱۲۶۴ ق. میرزا مسعود انصاری گرمودی منصب وزارت امور خارجه را بر عهده داشت. وی پیش از آن نیز، طی دوره‌ای سه ساله، از ۱۲۵۱ تا ۱۲۵۴ ق. وزیر امور خارجه محمدشاه بود و پس از مرگ میرزا ابوالحسن خان شیرازی در ۱۲۶۲ ق. نیز وزیر امور خارجه شد (توکلی، ۱۳۲۸ الف). امیرکبیر وی را

بر مسند وزارت امور خارجه ابقاء کرد و او تا زمان مرگ (۱۲۶۵ ق.) به مدت ۷ سال غیرمتوالی این مقام را بر عهده داشت.

میرزا مسعود انصاری گرمرودی، متولد قریه اشلق از محال گرمه رود آذربایجان شهرستان میانه، پس از ماجرای نامه نگاری ناپلئون کبیر با فتحعلی شاه قاجار و متعاقب آن، فراخوان عمومی دربار برای جذب و استخدام افرادی که به زبان فرانسه یا انگلیسی مسلط باشند، به قصد تحصیل زبان فرانسه به طرف ارومیه حرکت کرد و در آنجا نزد کشیشان به تحصیل زبان فرانسه پرداخت. سپس موفق شد در دربار فتحعلی شاه به برخی امور مربوط به ترجمه بپردازد، آنگاه به واسطه انشاء و تحریر عالی و تسلط بر پنج زبان به سمت مستوفی شاهزاده عباس میرزای ولیعهد در تبریز برگزیده شد (نائبی، ۱۳۸۷). پس از آن به عنوان یکی از منشیان زبردست محمدخان امیرنظام زنگنه به کار پرداخت. با آغاز سلطنت محمدشاه، به تهران آمد و به مرتبه "استیفاء" رسید، که مقام قابل توجهی بود. حاجی میرزا آقاسی در بدو صدارت در ۱۲۵۱ ق. وزارت دول خارجه را بر عهده میرزا مسعود انصاری گرمرودی نهاد؛ اگرچه تمام امور خارجی در سراسر دوران صدارت حاجی به خود وی رجوع می‌شد. وی در دوره اول وزارت تا سال ۱۲۵۴ ق. عهده‌دار این سمت بود. پس از مرگ حاجی میرزا ابوالحسن خان در ۱۲۶۲ ق. میرزا مسعود دوباره مقام وزارت دول خارجه یافت و تا پایان عمر در ربیع‌الثانی ۱۲۶۵ در همین مقام باقی بود (توکلی، ۱۳۲۸ الف).

میرزا تقی‌خان امیر کبیر و میرزا محمدعلی خان

پس از مرگ میرزا مسعود انصاری گرمرودی، امیرکبیر ضمن شغل صدارت، امور خارجه را خود بر عهده گرفت و میرزا محمدعلی خان شیرازی - خواهرزاده حاجی میرزا ابوالحسن خان - سمت نیابت او را داشت (همان). در ۱۹ رمضان ۱۲۶۷ میرزا محمدعلی خان وزیر دول خارجه شد و تا پایان عمر در ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۲۶۸ عهده‌دار این سمت بود و در واقع همه امور، با هماهنگی و درایت امیر صورت می‌گرفت.

می توان گفت که در دوران صدارت امیرکبیر (۱۲۶۸-۱۲۶۴ ق.) وزارت امور خارجه از نو بنیان شد: وی نخستین پرسنل آن را خود انتخاب کرد و ساختمانی برای آن در نظر گرفت. از سویی در دوره صدارت او «این نهاد تشکیلات نسبتاً منظمی یافت. صدور تذکره به صورت مرتبی درآمد و ثبت و ضبط مکاتبات سیاسی نظم جدیدی یافت. در ۱۲۶۸ ق. که نخستین سفارتخانه‌های دایمی ایران در پایتخت‌های بزرگ جهان آن روز (اسلامبول، سن پترزبورگ و لندن) تأسیس یافت، نمایندگان سیاسی ایران موظف شدند از حوزه مأموریت خود و اوضاع و احوال اتباع ایران اطلاعات صحیحی تهیه کنند و به طور منظم به وزارت امور خارجه بفرستند و در باره جزئیات امور از مرکز دستور بگیرند» (مهدوی، ۱۳۵۰: ۲۵۶).

سیاست خارجی امیرکبیر

امیرکبیر روابط سیاسی دولت را از انحصار مناسبات با روس و انگلیس در آورد و به رغم نظر هر دو، توجه خویش را به آمریکا و اتریش و پروس (آلمان) معطوف کرد. امیر در مسائل خارجه که عظمت و شوکت حکومت در چشم بیگانگان در آن جلوه می نمود، بسیار حساس بود (خسروی زاده، ۱۳۹۱). بر همین اساس او یک قرارداد کنسولگری و یک قرارداد در زمینه کشتیرانی با آمریکا منعقد کرد (نجفی و فقیه حقانی، ۱۳۸۳: ۱۲۳-۱۲۲).

دستگاه اطلاعاتی امیرکبیر

امیرکبیر در انتظام امور اطلاعاتی نیز کوشش قابل توجهی به کار برد. دستگاه اطلاعاتی امیرکبیر، که به "منهیان امیر" هم شهرت یافت، علاوه بر نظارت بر عملکرد مجموعه دستگاه‌های حکومتی و دوایر داخلی، در امور مربوط به کنترل خارجی‌ان در ایران و نیز ارتباطات رجال و دولتمردان ایرانی با محافل و سفارتخانه‌های خارجی و غیره نیز فعال بود. گفته می‌شد که بسیاری

از منشیان، دبیران و کارکنان ایرانی سفارتخانه‌های خارجی در تهران، اخبار و اطلاعات محرمانه درون سفارتخانه‌ها را به امیرکبیر گزارش می‌کردند.

دستگاه اطلاعاتی امیرکبیر به حدی موجبات نگرانی سفارتخانه‌های روس و انگلیس را فراهم آورده بود که آنان برای مقابله با آن، منابع مالی و اطلاعاتی مضاعفی از دولت‌های متبوع خود خواستار شدند. از جمله کلنل شیل، وزیر مختار وقت بریتانیا در تهران اعلام کرده بود: «مبلغی در حدود سیصد لیبره برای شناختن جاسوسان امیر، چه در تهران و چه در ولایات، مورد نیاز هیئت نمایندگی می‌باشد. تصور می‌رود صرف چنین مبلغی بجا و ضروری باشد» (ابی‌نا، ۱۳۹۰).

فرجام امیرکبیر

شیل، وزیرمختار انگلیس در کتاب خود با لحنی دو پهلو از امیرکبیر سخن به میان آورده و در باره او نوشته است: مال دوستی و شهوت مادی ندارد؛ مصلحت مملکت را می‌خواهد و اگر مجال یابد، دست به اصلاحات می‌زند، اما با این همه مردی تند مزاج و مشحون به غرض، سوءظن و لجاجت است. با آنکه مخالف روس‌هاست، به ندرت طرف انگلیس را می‌گیرد و روی هم رفته درصدد است از نفوذ سفارتخانه‌ها بکاهد (رضائی، ۱۳۸۴).

سرانجام، به سبب دشمنی امثال آقاخان نوری و مهد علیا و نادانی ناصرالدین شاه، در ۲۰ محرم ۱۲۶۸ امیرکبیر نخست از صدارت عزل و در ۲۵ محرم از امارت نظام و از تمام مشاغل دولتی نیز برکنار و چند روز بعد به کاشان تبعید شد. پس از آن، ناصرالدین شاه دو بار حکم مرگ امیرکبیر را صادر و سپس باطل کرده بود، اما در بیستم ربیع‌الاول سال ۱۲۶۸ دیگر آماده اقدام بود. این فرمان با سرعت تمام به اجرا گذاشته شد، زیرا مخالفان امیرکبیر در دربار می‌ترسیدند شاه بار دیگر تغییر رأی دهد (همان). سرانجام امیرکبیر به فرمان ناصرالدین شاه و به دست حاج علیخان مراغه‌ای معروف به حاجب‌الدوله در حمام فین کاشان به لقاء حق رسید (نجفی و فقیه حقانی، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

ممتحن‌الدوله، مترجم و منشی مخصوص میرزا محمدسعید خان وزیر امور خارجه که در روزهای آخر عمر میرزا از وی پرستاری می‌کرد، در کتاب خاطرات خود نوشته است: «میرزا محمدسعید در گلایه‌ها و انتقادهایش از اوضاع کشور در روزهای آخر عمر خویش، سخن را با ذکر این نکته به پایان می‌برد: اگر استاد من میرزا تقی‌خان امیرنظام کشته نشده بود و یک چندی ناصرالدین‌شاه از کارهای دولت کناره‌جویی می‌کرد، یحتمل این مملکت به جایی رسیده بود و وزراء همگی مثل دانه‌های تسبیح به یک رشته کشیده می‌شدند؛ امیدی بود، ولی افسوس افسوس!» (ممتحن‌الدوله، ۱۳۵۳: ۲۹۲).

میرزا سعید خان مؤتمن الملک انصاری: دوره اول وزارت

پس از عزل امیر کبیر و صدارت میرزا آقاخان نوری و مرگ میرزا محمدعلی خان وزیر امور خارجه، با توصیه میرزا تقی‌خان معزول و علی‌رغم کوشش میرزا آقاخان نوری برای انتصاب فرزندش میرزا کاظم خان نظام الملک، میرزا سعید خان در ربیع‌الثانی ۱۲۶۸ق. با لقب مؤتمن الملک و خانی، دبیر مهمام خارجه یعنی کفیل وزارت خارجه شد. در ۱۲۶۹ق. حمایل و نشان سرتیپی دریافت داشت و در ربیع‌الثانی ۱۲۶۹ق. رسماً به وزارت خارجه معرفی شد و لقب "جناب" گرفت. وی تا شعبان سال ۱۲۹۰ق. بیش از ۲۱ سال متوالی این سمت را بر عهده داشت (ممتحن‌الدوله، ۱۳۶۵: ۲۷ و ۲۰). به نوشته افشار: ملا محمدسعید انصاری اشلیقی گرمروندی، معروف به مؤتمن الملک، پسر میرزا سلیمان انصاری و از نوادگان مولانا حمدالله انصاری - از مرشدان بزرگ سلاطین صفویه - در ۱۲۳۱ق. متولد شد. وی پس از وصول به مقامات علمی برای استخدام در وزارت امور خارجه به میرزا مسعود (وزیر وقت امور خارجه) که پسر عموی او بود، نامه‌ای نوشت. میرزا مسعود، برای استخدام در تحریرات، توصیه او را به محمدخان امیر تومان، بیگلربیگی تبریز می‌کند که کارهای مربوط به خارجه آذربایجان به وی ارجاع شده بود. با اشتغال

به تحریر، مورد توجه میرزا تقی خان قرار گرفته و دستورات وی را تحریر می‌کند. پس از مرگ محمد شاه همراه میرزا تقی خان و ناصرالدین شاه از آذربایجان به تهران آمد (همان: ۲۰-۱۵).

ناصرالدین شاه هنگام ترک تبریز ولیعهدنشین و اشغال تخت پادشاهی در تهران، در روستای باسمنج عریضه‌ای به خط زیبای ملا سعید دید و وی را به خدمت فرا خواند. میرزا محمدسعید، بسیار مورد اعتماد و وثوق امیرکبیر قرار گرفت و وی را در نزدیکی‌های پایتخت (یافت‌آباد) «کاتب اسرار مکتومه و منشی رسائل خاصه» و به اصطلاح امروز ریاست دفتر رمز و محرمانه خود قرار داد. به نوشته فرهادمیرزا، میرزا محمدتقی خان که به صدارت رسید، او [میرزا محمدسعید] را پیش کشید و موجبات پیشرفت و ترقی وی را فراهم آورد. با دعوت ناصرالدین شاه و راهیابی به دربار، کار منشی‌گری را آغاز و خیلی زود رشد کرد. در ۱۲۶۸ ق. به فرمان ناصرالدین شاه به لقب خان نائل شد و دبیری کفیل وزارت امور خارجه را برعهده گرفت و به مؤتمن‌الملک ملقب گردید.

در روزنامه وقایع‌انفاقیه مورخه ۱۱ محرم ۱۲۶۸ روزهای آخر صدارت امیر در این زمینه چنین آمده است: «از آنجا که میرزا محمدسعید در خدمات محوله صداقت و راست‌قلمی خود را مشهود پیشگاه مبارک داشته و مصدر خدمات تحریر رسائل خاصه و به صفت امانت و رازداری و درستکاری موصوف گشته، به لقب مؤتمن‌الملکی سرافراز آمد.» (ابوالحسن، ۱۳۸۷: ۴۴)

امیر کبیر از مؤتمن‌الملک سخت پشتیبانی می‌کرد و در باره او گفته بود: «هرگاه... را نیافتید، در میخانه‌ها بجوید و هرگاه مؤتمن‌الملک را نیافتید، در مساجد و اماکن مذهبی دنبالش بگردید.» (نائبی، ۱۳۸۷)

میرزا سعید خان برخی تکالیف وزارت امور خارجه از جمله «حفظ روابط اتحادیه و مراودات دوستانه میان دولت علیه و دول هم عهد» را به توشیح ناصرالدین شاه می‌رساند.^۱

^۱. بنگرید به سند شماره ۱

پس از عزل و تبعید میرزا آقاخان نوری اعتمادالدوله دومین صدراعظم، ناصرالدین شاه بی آنکه دیگر صدراعظمی تعیین کند، در سال ۱۲۷۵ق. مسئولیت اداره امور کشور را در میان ۶ وزارتخانه جدیدالتأسیس تقسیم کرد (سعادت نوری، ۱۳۶۴: ۲۴۴) و وزارت امور خارجه را به میرزا سعیدخان مؤتمن الملک سپرد و قرار بر این شد که هر کدام از وزراء شرح وظایف وزارتخانه خود را مشروحاً تنظیم و به صحنه شاه برسانند و چنین نیز شد. از این تاریخ، وزارتخانه‌ها، از جمله وزارت امور خارجه وظایف خود را بدون کردند (توکلی، ۱۳۲۸: الف).

با توجه به اینکه مقام صدارت اعظم دیگر وجود نداشت، حوزه وظایف وزارت امور خارجه گسترش یافت و استقلال چشمگیری به دست آورد. در نوروز سال ۱۲۸۲ق. شاه، محمدخان قاجار دولو را با لقب جدید "سپهسالار اعظم" به مقامی مرادف صدارت یعنی وزیر اعظم منصوب کرد. در زمان وزیر اعظمی سپهسالار، ناآرامی‌ها شدت گرفت و شاه ناچار، برای بار دوم مقام صدارت را ملغی اعلام و ترتیبات پیشین دوران سال‌های ۱۲۸۲-۱۲۷۵ق. را برقرار کرد (معزی نیا، [بی تا]).

پس از عزل سپهسالار، وزیر مالیه، میرزا یوسف خان مستوفی‌الممالک از سال ۱۲۸۴ق. بی آنکه رسماً صدراعظم باشد، بدین کار گماشته شد. ناصرالدین شاه، که نمی‌خواست همه قدرت در دست صدراعظم تمرکز داشته باشد، در ۱۲۸۳ق. با صدور دستخطی، «کارها را به شش قسمت وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت جنگ، وزارت مالیه، وزارت عدلیه و وزارت وظایف و اوقاف» تقسیم کرد و هر یک را به یکی از رجال وا گذاشت.

مؤتمن‌الملک در سال ۱۲۸۶ق. با حفظ سمت حکمران گیلان شد و تا سال ۱۲۸۸ق. عهده‌دار این سمت بود (نائبی، ۱۳۸۷). وزارت امور خارجه در یادداشتی (نک به سند ۲) به سفارتخانه‌های خارجی مقیم تهران، سفر وزیر امور خارجه به همراه ناصرالدین شاه را به گیلان به اطلاع آنان رسانید و خاطر نشان کرد که رسیدگی به امورات آن سفارتخانه‌ها کما فی‌السابق از طریق کارکنان وزارت امور خارجه به انجام خواهد رسید.

با انتصاب میرزا حسین خان سپهسالار در ۲۹ شعبان ۱۲۸۸ به صدارت عظمی (فراهانی منفرد، ۱۳۷۵: ۷۹)، میرزا سعید خان که با روحیات و عملکرد وی به واسطه سوابق ۲۰ ساله حضور در مأموریت‌های دیپلماتیک آشنایی کاملی داشت، از همان ابتدا به مخالفت برخاست. سرانجام سعادت‌های سپهسالار بر ضد میرزا سعید، مؤثر افتاد و او در مقام نایب تولیه آستان قدس رضوی (ع)، محترمانه به مشهد تبعید شد (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۴۷)، ولی شاه جمعی از یاران وی نظیر میرزا محمد رئیس را در وزارتخانه بر سر مشاغل حساس نگاه داشت (همان: ۵۰).

میرزا حسین خان سپهسالار

حاجی میرزا حسین خان، فرزند میرزا نبی خان قزوینی راه، امیر کبیر برای تحصیل به فرانسه فرستاد و چون باهوش بود، با زبان‌های فرانسوی و عربی آشنا شد. پدر وی سال‌ها امیری دیوانخانه عدلیه را برعهده داشت. میرزا حسین خان پس از فراگیری مقدمات دانش‌های متداول زمان به مدرسه دارالفنون رفت و زبان فرانسه و علم ریاضی آموخت و در ۱۲۵۵ ق. برای منشیگری به میرزا باقر ملک‌الکتاب سپرده شد. وی پس از مراجعت از فرانسه، وکالت کارهای پدرش را برعهده گرفت و در وزارت امور خارجه مشغول انجام وظیفه شد (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۹).

میرزا حسین خان در دوران صدارت امیر کبیر، در ۱۲۶۷ ق. و در دوره وزارت میرزا مسعود انصاری گرمرودی طی حکمی از سوی امیر در کنسولگری بمبئی مأمور کارپردازی امور بازرگانی رعایای ایران در هند شد و نزدیک ۳ سال در این مقام بود. امیر در حکم انتصاب به وی توصیه کرد: «از گرفتن تعارف و رشوه محترز بوده، مطلقاً طمع و توقعی از آنها [تجار و ایرانیان مقیم بمبئی] ننماید...» (نوری، ۱۳۸۳: ۵۳)

وی پس از ۳ سال مأموریت در ۱۲۷۰ ق. از بمبئی با ثروت هنگفتی به ایران بازگشت (همان: ۵۳). در سال ۱۲۷۱ ق. یعنی زمان صدارت میرزا آقاخان نوری و میرزا سعید خان وزیر

امور خارجه، میرزا حسین خان با سمت جنرال قنسولی عازم مأموریت تفلیس شد و ۴ سال عهده‌دار این سمت بود (همان: ۵۴).

میرزا حسین خان در مأموریت اسلامبول

حاجی میرزا حسین خان در ۱۲۷۵ق. اواخر صدارت میرزا آقاخان نوری، وزیر مختار ایران در اسلامبول شد. در سال ۱۲۸۰ق. موقتاً او را از اسلامبول به تهران فرا خواندند و درسلک اجزای دارالشورای دولتی در آمد و دوباره به اسلامبول بازگشت. حاجی میرزا حسین خان در ۱۲۸۵ق. بار دیگر به طهران فراخوانده شد و با لقب مشیرالدوله و با سمت سفیرکبیری به دربار عثمانی بازگشت و تا سال ۱۲۸۷ق. در این سمت باقی ماند. در زمان سفارت وی، تذکره تابعیت ایران، به دویست هزار لیره عثمانی به فروش می‌رسید. میرزا حسین خان مشیرالدوله ۱۰ سال با سمت وزیرمختار ایران در اسلامبول و دو سال نیز با رتبه سفیرکبیری در آنجا ماند. مشاور حقوقی و نزدیک ترین فرد به سپهسالار، حاج قربان خان هندویی آملی بود (همان: ۵۵-۵۴). در جمادی‌الثانی ۱۲۸۷ق. که ناصرالدین شاه به فکر سفر به عتبات عالیات افتاد، مشیرالدوله با استفاده از موقعیت ممتازی که در دربار عثمانی داشت، تمهیدات سفر شاه را مهیا کرد و خود نیز برای استقبال از ناصرالدین شاه، در کرمانشاه به او پیوست. پس از زیارت عتبات، با ناصرالدین شاه به ایران بازگشت و در ۲۹ رمضان ۱۲۸۷ شاه او را به وزارت عدلیه و اوقاف و وظایف گماشت (طاهراحمدی، ۱۳۸۴: ۹).

صدرات میرزا حسین خان

در ۱۳ رجب ۱۲۸۸ روز تولد امام علی(ع)، ناصرالدین شاه در سلام عام تالار تخت مرمر کاخ گلستان، پس از سخنان کوتاهی در باره قشون و عقب ماندگی آن از دانش و فنون جدید

رزم، از مشیرالدوله با عنوان «یک نفر نوکر دولتخواه صدیق قاعده‌دان» نام برد و او را «سپهسالار اعظم» خواند و در رأس وزارت جنگ قرار داد. اندکی بعد در ۲۹ شعبان ۱۲۸۹ جامهٔ صدارت عظمی را نیز بر وی پوشاند و ادارهٔ دولت را به او واگذار کرد. اقدامات وی در این مقام، مخالفت‌هایی در پی آورد و سرانجام در ۲۰ رجب ۱۲۹۰ شاه او را عزل کرد (فراهانی منفرد، ۱۳۷۵: ۷۹). صدراعظم معزول به حکومت گیلان فرستاده شد، ولی پس از نزدیک یک ماه، در ۱۸ شعبان ۱۲۹۰ شاه او را به تهران فراخواند (طاهراحمدی، ۱۳۸۴: ۱۰).

سپهسالار در منصب وزارت امور خارجه

حاجی میرزا حسین خان سپهسالار اعظم، که از صدارت عزل شده بود، با فراخوان شاه در ۲۰ شعبان ۱۲۹۰ به پایتخت رسید و دو ماه بعد در ۲۰ شوال به موجب دستخط شاه، وزیر امور خارجه شد و یک‌سال بعد در شوال ۱۲۹۱ با عنوان سپهسالار اعظم به وزارت جنگ دست یافت (نوری، ۱۳۸۳: ۶۰). شاه پیش از انتصاب، نظر او را جویا می‌شود و سپهسالار در پاسخ به شاه بیان می‌دارد:

«قربان خاک پای جواهرآسای اقدس همایون مبارک شوم. زیارت دستخط مبارک جهان‌مطاع شاهنشاهی - روحنا فداه - خداوند شاهد است مثل اعجاز عیسوی این مردهٔ حقیقی را جان تازه داد و مجدداً از وادی عدم به صحرای وجود آورد، چنانکه با دست و دل شکسته و تن خرد شده، فوراً از بستر برخاسته، مشغول عریضه‌نگاری شدم. خداوند هزارمرتبه جان ناقابل این خانه‌زاد ذلیل بی‌مقدار را به تصدق وجود مسعود، قردان همایونی روحنا فداه گرداند و به لعنت خداوند گرفتار سازد اشخاصی را که از بابت نقص فهم و عدم شعور، سلب حقوق و قردانی از وجود مقدس شاهنشاهی روحنا فداه می‌نمایند که والله از روی اعتقاد عرضه می‌دارم، در ربع مسکون به حقوق همایونی هنوز کسی سراغ ندارم. هرکس یک قدم به صدق و ارادت در خاک پای مبارک حرکت کرد، اقلأ ده قدم به مرحمت و عطوفت با او رفتار فرمودید و از صد

خطای او اغماض ملوکانه فرمودید. والله بالله تالله تا زنده‌ام در هر مقامی که میل مبارک اقتضا فرماید که بنده کمترین را در آن مقام نگاه دارند... فدایی وجود مبارک و شاکر مرحمت‌های سابقه خواهم بود... لهذا جسارت ورزیده عرضه می‌دارم که مسند وزارت خارجه مرحمتی همایونی را با کمال تشکر قبول دارم و ابدًا خیال تجاوز را نخواهم کرد... حالا که رأی مبارک به صرافت طبع همایونی به این فقره علاقه گرفته است و فدوی خانه‌زاد هم در جنب اوامر ملوکانه، اطاعت صرفم، دیگر تزلزل به خاطر مبارکتان راه ندهید... خداوند جان ناقابل فدوی ذلیل و خانه‌زاد نفی [تبعیدی] را به قربان خاکی پای مبارک نماید. آمین ثم آمین» (همان: ۶۰-۵۹).

گرچه سپهسالار در جلب رضایت شاه در این منصب از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزید، مانند تدارک مراسم جشن تولد شاه و تقارن آن با «اواخر سال صدم سلطنت و جهانداری قاجار» (نک به سند ۳)، اما ۷ سال پس از دوران وزارت، در نیمه شوال ۱۲۹۷ شاه یکباره سپهسالار را از همه مشاغل برکنار کرد و او را به حکومت قزوین فرستاد (طاهراحمدی، ۱۳۸۴: ۱۰). وزارت امور خارجه در یادداشتی (سند ۴) در ۸ شوال ۱۲۹۷ به سفرای مقیم خاک ایران، عزل وی را از مقام سپهسالاری و وزارت امور خارجه بنا «به ملاحظه مقتضیات چند» به اطلاع رسانید.

در ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۲۹۸ سپهسالار از سوی شاه به همراه هیئتی برای تسلیت قتل الکساندر دوم امپراتور روسیه و تهنیت جلوس امپراتور جدید به روسیه فرستاده شد (همان: ۱۰). پس از بازگشت از روسیه، در شعبان ۱۲۹۸ به حکم شاه برای تصدی امور خراسان و سیستان و تولیت آستان قدس رضوی رهسپار مشهد شد. سپهسالار در ۲۱ ذیحجه ۱۲۹۸ در مشهد در سن ۵۷ سالگی درگذشت و در مقبره‌ای که در هنگام ورود به آن شهر برای خود ساخته بود، به خاک سپرده شد (همان: ۱۱).

میرزا سعید خان مؤتمن الملک انصاری: دوره دوم وزارت

تبعید محترمانه میرزا سعیدخان به خراسان در سال‌های ۱۲۹۱-۱۲۹۷ق. و اقدامات میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم‌خان، تشکیلات وزارت امور خارجه را آشفته کرد و بدین گونه زحمات چندین ساله میرزا سعیدخان مؤتمن الملک بر باد رفت (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۴۷). در شوال ۱۲۹۷ ناصرالدین شاه، میرزا سعید را از مشهد به تهران فرا خواند و سرپرستی وزارت خارجه را به وی سپرد و او، این بار به مدت ۴ سال و تا هنگام مرگ در ۱۳۰۱ق. در این سمت باقی ماند (همان: ۴۷).

در دستخط ناصرالدین شاه (ذی‌القعدة ۱۲۹۷)، چنین آمده است: «میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک، که همیشه در موارد خدمت امتحانات خوب داده و در ایام سلطنت ما زمان خود را به تصدی خدمات بزرگ گذرانیده و پیوسته دولتخواهی و کفایت او موجب کمال رضامندی خاطر ما بوده است، این اوقات مجدداً به وزارت جلیله امور خارجه منصوب می‌فرماییم که به اقتضای سوابق اطلاعات و احاطه کامل خود، وظایف این تکلیف را کاملاً ادا کند، آن طوره‌ها که مقامات بصیرت و کفایت معزی‌الیه در پیشگاه ما مجرب و معهود است، این شعبه عمده و اهم دولت را قرین انتظام دارد. شهر ذی‌قعدة الحرام لوی‌ئیل ۱۲۹۷» (همان: ۵۰).

در بیان اوضاع وزارت امور خارجه پس از تصدی مجدد میرزا سعید خان به وزارت امور خارجه، ذکر نامه ای که وی در پاسخ به درخواست کارگزار وقت ایران در بغداد مبنی بر افزایش مواجب می نوشت، مفید است:

«روزی که من به وزارت خارجه قدم نهادم [۱۲۶۸ق.] جز دو سه نفر اجزای مملوک، کسی در میان نبود و روزی که مأمور خراسان گردیدم [۱۲۹۱ق.] اغلب رجال دولت از اجزای وزارت خارجه [بودند]، به علاوه اقلأ هزار نفر مأمور کل و جزء و نویسندگانی عذیده داشت که هر کدام عالی‌قدر مراتب نان و نامی داشتند. [...] امسال که معاودت کرده [ام] می‌بینم که بنا ویران و ساکنینش پریشان گردیده، به‌طوری‌که در اصلاح آن حیران و سرگردان مانده‌ام. خدا

می‌داند که در مقام خود نمی‌گذارم دقیقه‌ای] فوت شود. اگر خداوند بخواهد، به طوری که خیال تجدید آن بنا را دارم، اسبابش را فراهم و کار را به درجه‌ای رساندم باز همه آباد خواهند شد، و الا لازاد نقصانه و لا مانع لمشیته، چندی صبر کنید امیدوارم که به فضل خدا رفع جمیع دل‌تنگی‌ها بشود، دیگر ننویسید... . زیاده چه بنویسم. فی ۸ شهر شعبان ۹۸ [۱۲ق.]» (همان: ۴۷).

گفته‌اند که میرزا سعید خان در مقابل کاغذها و تمناها و تقاضاهای بی‌موقع سفرای خارجه، "کاغذ رسمی" می‌نوشت که سر تا پا آکنده از سجع و قافیه بود و سخنی در رد یا قبول تقاضا به میان نمی‌آورد. همچنین در زمان او بود که اولین نظامنامه وزارت امور خارجه تنظیم شد (همان: ۴۹).

به طور کلی اقدامات شاخص میرزاسعید مؤتمن‌الملک را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- سازمان‌دهی و توسعه تشکیلات وزارت امور خارجه.

۲- پرورش رجال مستعد برای اجرای مأموریت‌های سیاسی.

۳- ایستادگی در برابر فشار و تحکم قدرت‌های خارجی.

میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک انصاری گرمرودی، روز سه شنبه ششم جمادی الاول ۱۳۰۱ در سن ۷۱ سالگی چشم از جهان فرو بست و طبق وصیت، در حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد (نائبی، ۱۳۸۷).

محمودخان ناصرالملک قراگزلوی همدانی

محمودخان پسر فضل‌الله‌خان، از بزرگان طایفه قراگزلوی همدان (ممتحن‌الدوله، ۱۳۶۵: ۶۰)، در حدود سال‌های ۱۲۴۵-۱۲۴۴ق. به دنیا آمد (علی‌بیگی، ۱۳۹۲). او پس از پدرش به سرهنگی فوج قراگزلو رسید و در ابتدای حکومت ناصرالدین‌شاه به نیابت آجودان باشی منصوب شد. در دوران وزارت سعید خان مؤتمن‌الملک، به همراه عضدالملک قزوینی به عضویت وزارت امور خارجه در آمد. محمودخان در سال ۱۲۶۹ق. به عنوان نایب اول سفیر ایران به پترزبورگ

مأموریت یافت (ممتحن‌الدوله، ۱۳۶۵: ۶۰). با احضار میرزا محمدحسین عضدالملک وزیر مختار ایران در روسیه به تهران، در سال ۱۲۷۰ق. محمودخان مصلحت‌گذار (کاردار) ایران در روسیه شد و در ۱۲۷۱ق. به تهران بازگشت. در ۱۲۷۵ق. لقب ناصرالملک گرفت و مقام سواره‌نظام دارالخلافه و قورخانه و جبه‌خانه به وی رسید. در ۱۲۷۶ق. وزارت تجارت و صنایع و عضویت دارالشورای کبری یافت و پس از آن در سال ۱۲۷۹ق. به عنوان وزیرمختار ایران به انگلستان رفت و دو سال در لندن ماند. در ۱۲۸۹ق. و زمان صدارت میرزا حسین خان سپهسالار، با منصب امیرتومانی وزارت جنگ را بر عهده گرفت و معاون صدراعظم شد. به واسطه آشنایی با امور خارجی، در سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا، محمودخان ناصرالملک از همراهان شاه بود. از دیگر مشاغل او در این سال‌ها، ریاست شورای عسکریه، عضویت مجلس تحقیق دولتی، حکمرانی گیلان، حکومت کرمانشاهان و کردستان بود (علی‌بیگی، ۱۳۹۲).

پس از مرگ میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک، وزیر امور خارجه، چند نفر، از جمله نصیرالدوله برای عهده‌داری منصب وزارت خارجه در نظر گرفته شدند. به نوشته حاج مخبرالسلطنه هدایت:

«چهار نفر را برای وزارت خارجه بعرض رسانیده بودند، میفرمایند مشیرالدوله (یحیی خان) اختیار قلم و مهرش را ندارد. امین‌الدوله (میرزا علی خان) بیحال است. نصیرالدوله (میرزا عبدالوهاب خان) هتاک است. قوام‌الدوله (میرزا عباس خان) بیحیا» (هدایت، ۱۳۲۹: ۶۳)، ولی عاقبت به توصیه خود میرزا سعید خان، محمود خان در ۱۳۰۱ق. به عنوان وزیر امور خارجه منصوب می‌شود و تا سال ۱۳۰۳ق. در این سمت باقی می‌ماند (سعادت نوری، ۱۳۶۴: ۸۳). گفته‌اند که انگلیسی‌ها در کار انتخاب او مؤثر بوده‌اند، زیرا در مقابل دیگر داوطلبان، انتظار وزارت او نمی‌رفته است (علی‌بیگی، ۱۳۹۲). مستر بنجامین (نخستین وزیر مختار آمریکا در ایران) نیز انتخاب محمودخان ناصرالملک به سمت وزیر امور خارجه را مایه تعجب همگان

دانسته و از تمایل او به انگلیس سخن گفته است و در مقابل از سختی وی نسبت به خواسته‌های دولت سخن به میان آورده است ([بی‌نا]، ۱۳۳۵).

محمودخان ناصرالملک در جمادی‌الآخر ۱۳۰۳ق. از منصب وزارت امور خارجه معزول و حاکم خراسان و ملقب به فرمانفرما شد. وی تا اواخر ۱۳۰۴ق. حاکم خراسان بود و سپس به تهران بازگشت و در ۸ ربیع‌الآخر ۱۳۰۵ق. درگذشت. پس از مرگ وی، تمام امتیازاتش، از جمله لقب ناصرالملک و حکومت همدان و نشان، به نواده‌اش ابوالقاسم‌خان رسید (علی‌بیگی، ۱۳۹۲).

یحیی خان مشیرالدوله

میرزا یحیی خان مشیرالدوله قزوینی، متولد ۱۲۴۷ق. در قزوین، فرزند میرزا نبی‌خان امیردیوان قزوینی و برادر میرزا حسین خان سپهسالار و دارای القابی چون آجودان مخصوص، معتمدالملک، وزیر مخصوص و مشیرالدوله از ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۵ق. منصب وزارت امور خارجه را برعهده داشت. وی به مسئولیت‌های مهمی همچون حکومت عراق و کمره، لرستان و خوزستان، یزد، گیلان، مازندران و فارس رسید و مدتی هم وزیر امور خارجه و وزیر عدلیه بود.

میرزا حسین خان و یحیی خان در ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه قاجار برای تحصیل به اروپا رفتند. میرزا حسین خان به زودی بازگشت، اما یحیی خان در پاریس به فراگیری زبان فرانسه مشغول بود و تا سال ۱۲۷۲ق. در فرانسه ماند. یحیی خان پس از مراجعت از فرانسه به عنوان مترجم در وزارت امورخارجه مشغول کار شد و مدتی بعد به نیابت سفارت، به پترزبورگ رفت (بامداد، ۱۳۵۷: ۴۴۰-۴۳۸).

در ۱۲۷۳ق. به ایران بازگشت و در همین سال میرزا آقاخان نوری، او را به سمت آجودان مخصوص خود گماشت. پس از عزل میرزا آقاخان نوری در ۱۲۷۵ق. ناصرالدین شاه، یحیی خان را به سمت آجودان مخصوص و مترجم حضور خود برگزید. وی در ۱۲۷۶ق. به عنوان مأمور مخصوص به عثمانی رفت و در اسلامبول نشان خاص شاه ایران را تقدیم سلطان

عثمانی کرد و یک سال بعد در مراجعت نیز، نشان‌هایی از جانب سلطان عبدالمجید عثمانی برای شاهزادگان و اعیان دولت ایران آورد (همان: ۴۴۰).

وی در ۱۲۷۸ق. فرمان ولایت عهدی مظفرالدین شاه و خلعت او را از جانب شاه به تبریز برد. در ۱۲۸۲ق. علاوه بر مشاغل دیگر، تحویل‌داری وجوه صرف جیب شاه نیز به وی محول شد. او در اواخر سال ۱۲۸۴ق. لقب معتمدالملک یافت و با عزت الدوله، خواهر تنی شاه ازدواج کرد (همان: ۴۴۱). یحیی خان معتمدالملک در ۱۲۸۸ق. به حکومت عراق و کمره رسید و مدتی بعد حکومت لرستان و خوزستان نیز ضمیمه حکومت او شد؛ سپس در ۱۲۸۹ق. سمت کشیکچی‌باشی‌گری شاه یافت و در همین سال حاکم گیلان و در سال‌های بعد حاکم یزد و سرانجام در ۱۲۹۱ق. والی فارس شد (همان: ۴۴۲). او پس از مراجعت از مأموریت فارس و تا سال ۱۲۹۴ق. شغل مهمی نداشت و در این سال به حکومت مازندران و سپس به جای برادرش، که همراه شاه به فرنگ رفته بود، به کفالت وزارت خارجه و سپهسالاری قشون منصوب شد.

پس از درگذشت برادرش حاج میرزا حسین خان سپهسالار، که لقب مشیرالدوله داشت، ناصرالدین شاه قاجار در جمادی‌الثانی سال ۱۲۹۹ق. لقب مشیرالدوله را به یحیی خان اعطاء و او را به وزارت عدلیه منصوب کرد. همچنین در همین زمان لقب قبلی او، معتمدالملک، به پسرش میرزا حسین خان داده شد (همان: ۴۴۶-۴۴۵).

در سال ۱۳۰۱ق. ناصرالدین شاه، یحیی خان مشیرالدوله را به مناسبت انتسابی که با خاندان سلطنتی داشت، برای تبریک جشن بلوغ ولیعهد روسیه، نیکلای دوم، فرزند الکساندر سوم، با تشریفات تمام به دربار پترزبورگ فرستاد. در همین سفر، یحیی خان مشیرالدوله لقب "جناب اشرف" نیز گرفت (همان: ۴۴۷).

یحیی خان مشیرالدوله در سلخ جمادی‌الاول سال ۱۳۰۳ق. به عنوان وزیر امور خارجه ایران منصوب شد و این سمت را تا روز چهارشنبه ۱۱ ذیقعدة سال ۱۳۰۵ق. عهده‌دار بود. وی در ۱۳۰۶ق. دوباره به وزارت عدلیه رسید و این بار وزارت تجارت نیز ضمیمه شغل او بود (همان: ۴۴۸).

یحیی خان در روز ۲۰ جمادی‌الثانی سال ۱۳۰۹ق. در سن ۶۲ سالگی درگذشت و پیکر او را طی مراسمی در مشهد و در حرم امام رضا(ع) و در جوار قبر برادرش میرزا حسین خان سپهسالار به خاک سپردند (همان: ۴۶۷-۴۶۶).

میرزا عباس خان قوام‌الدوله

پس از درگذشت مستوفی‌الممالک در سال ۱۳۰۳ق. شاه وزارت داخله را به میرزا عباس خان قوام‌الدوله سپرد و مدتی بعد، که یحیی خان مشیرالدوله را که پس از درگذشت مؤتمن‌الملک به وزارت امور خارجه رسیده بود، عزل کرد و به پیشنهاد میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان اتابک اعظم، قوام‌الدوله را بر وزارت امور خارجه گماشت. قوام‌الدوله برای اداره این شغل دانش و تجربه کافی نداشت و با دخالت امین‌السلطان امور را اداره می‌کرد (بامداد، ۱۳۶۳: ۲۱۳).

میرزا عباس خان قمی تفرشی، در ابتدا از منشیان میرزا آقاخان نوری بود و ضمناً در وزارت امور خارجه نیز مشغول کار شد و چون از خواص و محارم میرزا آقا خان صدراعظم بود، به تدریج ترقی کرد و در سال ۱۲۷۲ق. لقب به خانی یافت. سپس در شمار منشیان خاص میرزا یوسف مستوفی‌الممالک درآمد و بیشتر ترقیات بعدی او، از همین دوره صورت گرفت؛ چندان که وقتی قرار شد پس از مرگ میرزا محمد قوام‌الدوله در ۱۲۹۰ق. لقب او را به پسرش میرزا ابراهیم معتمدالسلطنه بدهند، چون مستوفی‌الممالک نسبت به خانواده قوام‌الدوله چندان نظر خوبی نداشت، بنا بر سفارش او لقب قوام‌الدوله، به میرزا عباس خان معاون‌الملک رسید (همان: ۲۱۲-۲۱۱).

پس از عزل یحیی خان به سال ۱۳۰۵ق. در ظاهر میرزا عباس خان قوام‌الدوله وزیر امور خارجه بود (همان: ۲۱۲)، اما کلیه امور وزارت خارجه را به موجب دستخط، نصرالله خان اداره می‌کرد. این روال تا ۱۸ محرم ۱۳۱۴ق. که حاجی محسن خان وزیر امور خارجه شد، ادامه یافت. میرزا عباس خان قوام‌الدوله در سال ۱۳۱۹ق. درگذشت (ممتحن‌الدوله، ۱۳۶۵: ۷۰-۶۱).

نتیجه

وزارت امور خارجه، یکی از مهم ترین ارکان دولت ایران در عصر ناصرالدین شاه قاجار بود. وزارت امور خارجه نمایندگی‌هایی در کشورهای مختلف و نیز در داخل کشور داشت که اتباع ایرانی و خارجی، به ویژه بازرگانان بدانها مراجعه می کردند. امیرکبیر، در آغاز صدارت، شخصاً اداره وزارت امور خارجه را بر عهده گرفت؛ و این موضوع نشانگر اهمیت و جایگاه رفیع این وزارتخانه است. با وجود کوشش میرزا آقاخان نوری برای انتصاب فرزندش به مقام وزارت امور خارجه، ناصرالدین شاه مصلحت در آن دید که این منصب را بر عهده شخصی با کفایت و مورد وثوق، یعنی میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک قرار دهد. ناصرالدین شاه در سال‌های ۱۲۸۳ و ۱۲۷۵ق. با صدور فرمان‌هایی، تشکیلات کلان دولت را تعیین کرد و شرح وظایف وزارت امور خارجه نیز به فراخور اوضاع تکامل یافت و از دست اندازی محفوظ ماند.

در این زمینه، توجه به این نکته‌ها حائز کمال اهمیت است:

۱. رقابت میرزا حسین خان و میرزا سعید خان، فارغ از محتوای دشمنی آنها، حاصلی جز عقب‌ماندگی کشور، آشفتگی در سیاست خارجی و تشویش ذهن شاه نداشت؛ این موضوع، کمابیش از انتصاب پی در پی یکی از آنها به منصب مهم وزارت امور خارجه آشکار است و کار تنها به تغییر وزیر ختم نمی‌شد و مجموعه هم‌فکران هر یک نیز در تشکیلات وزارت امور خارجه جابجا می‌شدند.

۲. تبعیدگاه محترمانه وزرای امور خارجه گویا منصب تولیت آستان مقدس رضوی بود: سعایت‌های میرزا حسین خان نسبت به میرزا سعید خان، به تبعید میرزا سعیدخان به آستان مقدس رضوی منجر شد و بنابر همان رویه، خود او نیز، پس از عزل، در ۵۷ سالگی در کسوت تولیت آستان مقدس رضوی در مشهد از دنیا رفت.

۳. همه وزرای امور خارجه دوره ناصرالدین شاه و شخص امیرکبیر، که مدتی عهده‌دار منصب صدارت و وزارت با هم بود، سابقه حضور در مأموریت‌های رسمی خارجی داشتند، یا

دست کم به مرور به مناصب بالای وزارت امور خارجه رسیدند. میرزا سعید خان مؤتمن الملک با حدود ۲۶ سال مجموع دوران وزارت، طولانی ترین زمان وزارت را در کارنامه زندگی دارد، با این همه تنها وزیری بود که تجربه مأموریت رسمی خارجی نداشت و صرفاً به کارهای مربوط به خارجه آذربایجان پرداخته بود. سبب توفیق وی را می توان اثر تربیت میرزا تقی خان امیرکبیر و اشتغال به کار تحریر دستورات وی دانست و از حسن اعتماد امیرکبیر به وی نیز نباید غافل بود. ۴. شرایط و جو حاکم بر فضای سیاسی کشور در آن روزگار، سیاست‌های استعماری روس و انگلیس در ایران، ورود بازیگران جدید بین‌المللی در عرصه سیاست خارجی ایران و نگاه امیدوارانه دولت ایران به آنها برای رهایی از بازی دو قطبی دولت های روس و انگلیس، مانند فرانسه، آمریکا و آلمان، تضاد منافع سیاستمداران قاجار و تزلزل شاه و ناپختگی او در اوایل سلطنت و خودکامگی وی، موقعیتی ناپایدار و سخت برای دست‌اندرکاران سیاست خارجی و مسند وزارت امور خارجه پدید می آورد. این حالت، سبب رفتار محافظه‌کارانه وزرای امور خارجه به ویژه در زمان وزارت میرزا سعید خان بود.

۵. کوشش ناصرالدین شاه برای ایجاد ساختارهای نوین حکومتی و نیز تعیین و تحدید وظایف وزارتخانه‌ها و نهادها و سپردن مسئولیت هر یک به یکی از رجال، تا حدود چشمگیری قدرت مطلقه را از دست صدراعظم خارج کرد و اختیارات وی را کاهش داد. امور خارجی، که تا پیش از سلطنت ناصرالدین شاه تحت تأثیر دربار و شخص صدراعظم بود با آغاز پادشاهی وی به شکل روزافزونی در وزارت امور خارجه متمرکز شد و هریک از وزیران نیز به تناسب نفوذ و قدرت خود کوشیدند با وضع قوانین حکومتی و توشیح شاه، ضمانت اجرایی بالاتری برای اختیارات وزارت امور خارجه به دست آورند.

منابع و مآخذ

اسناد:

آرشیو وزارت امور خارجه، اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی

۱-۱۵-۷-۱۲۶۹ ق.

۱۹-۶-۱۳-۱۲۸۶ ق.

۶-۱۳-۱۶-۱۲۹۶ ق.

کتاب‌ها:

ابوالحسنی، علی (۱۳۸۷)، «مؤتمن الملک انصاری و قوام‌بخشی به دیوان‌سالاری ایران»، مجله زمانه، شماره ۷۴-۷۳ بامداد، مهدی (۱۳۵۷)، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، جلد ۴، چاپ دوم، تهران: نشر زوار

_____ (۱۳۶۳)، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، جلد ۲، چاپ سوم، تهران: نشر زوار [بی‌نا]، «پلیس خفیه در دوره قاجار»، ماهنامه الکترونیکی دوران (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی) ۱۳۹۰، شماره ۶۶، اردیبهشت، دسترسی از <http://dowran.ir/show.phd=191912851> در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۲

[بی‌نا]، «نظرات نخستین وزیر مختار آمریکا در ایران در باره میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه وقت»، نشریه وزارت امور خارجه ۱۳۳۵، دوره دوم، شماره ۴
توکلی، احمد، «تاریخچه وزارت امور خارجه و اولین اساسنامه آن، نشریه وزارت امور خارجه»، نشریه وزارت امور خارجه ۱۳۲۸، دوره ۱، شماره ۲

_____، «یک سند تاریخی در باب جنگ هرات»، نشریه وزارت امور خارجه، آذر ۱۳۲۸، دوره اول، شماره ۴
حسن زاده، ناصرالدین، «نمونه‌هایی از نخستین دعوت نامه‌های دوره ناصری»، مجله پیام بهارستان ۱۳۳۸، شماره ۶

خسروبیگی، هوشنگ، «تشکیلات اداری ایران در عصر قاجار»، مجله زمانه ۱۳۸۷، شماره ۷۴-۷۳
خسروی‌زاده، صباح و محمدرضا معلمان، «سفارت خانه‌ها و قنصل‌گری‌ها از آغاز قاجار تا پایان دوره ناصری»، پژوهش‌های علوم انسانی، سال سوم، شماره ۱۱

رضائی، مسعود (۱۳۸۴)، «تلخیص و نقد و بررسی کتاب قبله عالم، ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران»، دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران

سعادت نوری، حسین (۱۳۶۴)، رجال دوره قاجاریه، تهران: انتشارات وحید

_____، «حاج میرزا ابوالحسن خان شیرازی معروف به ایلچی (دومین وزیر امور خارجه) (۱۲۶۲-۱۱۹۰ق.)»، نشریه وزارت امور خارجه ۱۳۴۵، دوره سوم، شماره ۳

سعادت نوری، حسین، «میرزا سعید خان مؤتمن الملک»، نشریه وزارت امور خارجه ۱۳۴۴، دوره سوم، شماره ۲

- شمیم، علی اصغر (۱۳۴۲)، **ایران در دوره سلطنت قاجار**، تهران: نشر علمی
- صفی پور، علی اکبر، «وصیتنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی شیرازی»، مجله گنجینه اسناد ۱۳۸۳، شماره ۵۴
- طاهر احمدی، محمود، «اصلاحات سپهسالار»، مجله گنجینه اسناد ۱۳۸۴، شماره ۶۰
- علی بیگی، فهیمه (۱۳۹۲)، «ناصرالملک، محمودخان»، دانشنامه جهان اسلام، دسترسی از <http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=7309> در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۳۰
- علیزاده بیرجندی، زهرا، «درایت امیرکبیر در معاهده ارزروم»، روزنامه دنیای اقتصاد ۱۳۸۹/۷/۷، شماره ۲۱۸۹
- فراهانی منفرد، مهدی، «اصلاحات میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی و دو رویه تمدن بورژوازی غرب»، مجله گنجینه اسناد ۱۳۷۵، شماره ۲۳ و ۲۴
- فلور، ویلم، «تاریخچه وزارت امور خارجه ایران»، ترجمه: جواد کریمی، فصلنامه تاریخ روابط خارجی ۱۳۸۴، شماره ۲۴ و ۲۵
- محیط طباطبائی، سیدمحمد، «نخستین وزیر امور خارجه ایران»، نشریه وزارت امور خارجه ۱۳۳۹، دوره دوم، شماره ۱۲
- معزی نیا، ویدا ([بی تا])، «ناصرالدین شاه»، تارنمای مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- ممتحن الدوله، میرزا مهدی خان (۱۳۶۵)، **رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری**، به کوشش: ایرج افشار، تهران: اساطیر
- (۱۳۵۳)، **خاطرات ممتحن الدوله**، چاپ دوم، به کوشش حسینقلی خان شقاقی، تهران: امیرکبیر
- موجانی، سیدعلی (۱۳۹۰)، «نهاد وزارت امور خارجه و ساختار متحول آن»، ۱۳۹۰، تارنمای خبر آنلاین
- نائبی، محمدصادق (۱۳۸۷)، **مشاهیر و مفاخر میانه**، تهران: نشر پینار
- نجفی، موسی و موسی فقیه حقانی (۱۳۸۱)، **تاریخ تحولات سیاسی ایران**، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- نوری، حسین، «خوب یا بد سپهسالار»، مجله زمانه ۱۳۸۳، سال سوم، شماره ۲۸
- هدایت، مهدیقلی (۱۳۲۹)، **خاطرات و خطرات**، تهران: چاپ رنگین
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۵۰)، **تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی**، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر
- _____، «سفرای ایران پیش از تأسیس نمایندگی های دائمی»، نشریه وزارت امور خارجه
- ۱۳۴۵، دوره ۳، شماره ۳

تکالیف وزارت امور خارجه در عهد ناصرالدین شاه

<p>حفظ رابط کادو در وزارت خارجه درت عمده وصل عمده</p>	<p>تعمیر و تکمیل پستگاه و کاروانسرا و سایر مکاتبات در این وزارت</p>
<p>مطابقت صورت و ضمائم در وزارت خارجه در این وزارت</p>	<p>تعمیر و تکمیل پستگاه و کاروانسرا و سایر مکاتبات در این وزارت</p>
<p>مطابقت صورت و ضمائم در وزارت خارجه در این وزارت</p>	<p>تعمیر و تکمیل پستگاه و کاروانسرا و سایر مکاتبات در این وزارت</p>

رجوع به دفتر وزارت امور خارجه
و سایر مکاتبات در این وزارت

کتابخانه وزارت امور خارجه

سند ۱: تکالیف وزارت امور خارجه؛ توشیح ناصرالدین شاه
(آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، شماره: ۱-۱۵-۷-۱۲۶۹ق.)

بنواریش

مالک

چون در نزد جرب ابرو جرب بدیع بن حسن بن ابی سعید حضرت درویش بن ابرو جرب در روز مائیس

خیزت در یونان فرم کاب یک است در مذهب از نوبت ارتقا بدین مذهب را در روز مائیس

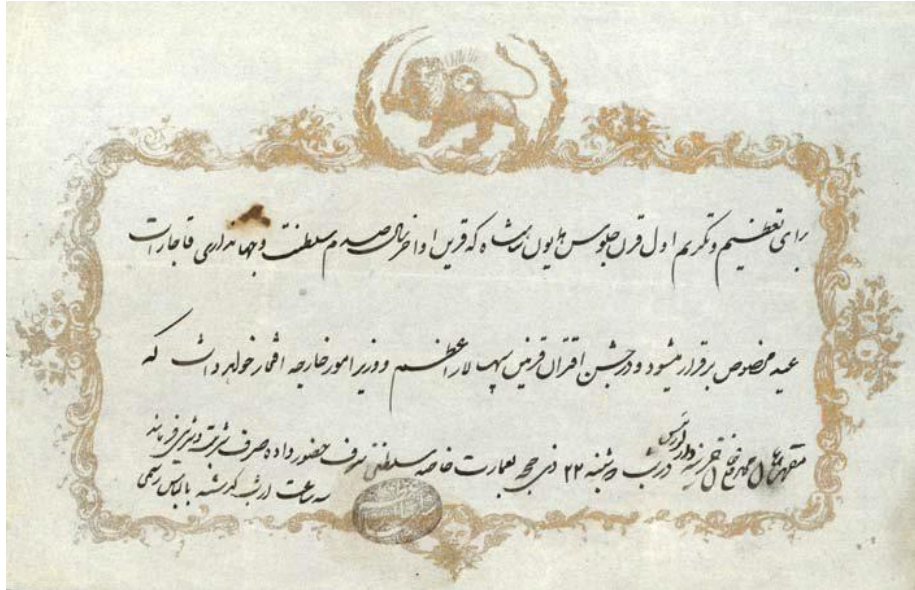
امروز در وقت پس از نماز صبح در روز مائیس در مذهب از نوبت ارتقا بدین مذهب را در روز مائیس

کفر و منافقانی در وقت ارتقا بدین مذهب از نوبت ارتقا بدین مذهب را در روز مائیس

در وقت ارتقا بدین مذهب از نوبت ارتقا بدین مذهب را در روز مائیس

شاید در روز مائیس در وقت ارتقا بدین مذهب از نوبت ارتقا بدین مذهب را در روز مائیس

سند ۲: یادداشت سفر میرزا سعید خان، وزیر امور خارجه به گیلان همراه ناصرالدین شاه (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، شماره: ۱۹-۶-۱۳-۱۲۸۶ق.)



سند ۳: دعوت نامه جشن تولد ناصرالدین شاه، با مهر سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه به سال ۱۲۹۰ ق. مصادف با «اواخر سال صدم سلطنت و جهاننداری قاجار» (حسن زاده، ۱۳۸۸)

بنام عرض تمنا
 به حسب ابراهیم میرزا که در هیئت فرستادگان اقدس تهران مشایخ و خدایه صاحب
 میرزا حسین خان شیرالدوله به خطه تقضیات جنبه از مندرجهای اهدای
 ضعیف گردید و حسب ائمه در لایحه سینه هدیها، صریحاً در
 وزارت عدلیه امر فرموده است که این امر را نام اظهار است و در صورت
 است و در صورت قبوله این سبب میباید حاضر بیایم تا فرار دیگر لازم است
 به قضاوت برای ابراهیم اقدس و محتوانه طبعه کوفه ای کفایت
 زینف اباب صلیب زوت افواج بیمه سینه هدیها

سند ۴: حکم عزل حاج میرزا حسین خان سپهسالار از منصب وزات امور خارجه (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، شماره: ۶-۱۳-۱۶-۱۲۹۶ق.)